



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

دوره امور روانی و وسایل بهداشت روانی

نویسنده: دکتر استیون شاو / مترجم: مجتبی امیری مجد

دیرآموزان^۱ معمولاً براساس نمره آزمونهای هوشی، جایگزینی آموزشی^۲ و روشهای آموزشی تعریف می شوند.

با این وجود، آنها نه تنها در خطر شکست تحصیلی قرار دارند بلکه از نظر بهداشت روانی نیز درمخاطره هستند. پیشگیری و مداخله زودهنگام در مدارس، ممکن است به اصلاح و بهبود مشکلات بهداشت روانی آنها کمک زیادی کند.

گاهی کودکان دارای هوش مرزی، تعارض اجتماعی خود را به شکل پرخاشگری نشان می دهند و این به علت مشکلات بهداشت روانی آنها می باشد. برای مثال وقتی با بحرانهای شخصی روبرو می شوند، سازوکارهای ناکارآمد برای مقابله با مشکلات پیش می گیرند و از طرف دیگر بیشتر احتمال دارد که نسبت به افرادی که هوش متوسط دارند، به داروهای غیر قانونی (مواد مخدر) اعتیاد پیدا کنند.

کودکانی که در دادگاه کیفری^۳ مورد محاکمه قرار می گیرند، آنهایی که از دبیرستان ترک تحصیل می کنند، دخترانی که به خاطر بارداری مدرسه را رها می کنند و بزرگسالانی که در زندانهای ایالتی به سر می برند معمولاً دارای عملکرد هوشی در حد دامنه «مرزی»^۴ هستند. فهرست اجمالی بالا، بیشتر مشکلات اجتماعی عمده ای که دیرآموزان با آنها مواجه می شوند را نشان می دهد.

این کودکان از نظر آموزشی دیرآموز شناخته می شوند. ولی متأسفانه به علت بی توجهی نظامهای فعلی آموزشی، بهداشت روانی و حمایت اجتماعی آنها نادیده گرفته می شود.

انگیزه و علایم اولیه^۵:

انگیزه مفهومی است که درباره دیرآموزان زیاد مورد توجه قرار می گیرد. فقد آن انگیزه تحصیلی به بهترین وجهی به عنوان اولین پله سیر نزولی عزت نفس، درماندگی و ناامیدی^۶ در نظر گرفته شده است.

روانشناسان مدرسه و مربیان می توانند از برخی جنبه های این سیر نزولی که منجر به مشکلات رفتاری، اجتماعی و عاطفی می شود، جلوگیری به عمل آورند.

تجربه شکست مکرر بدون آموختن مفهوم موفقیت یا نداشتن الگوی تحصیلی موفق، مشخصه های اولیه رشد انگیزش ضعیف به شمار می روند. به عبارت دیگر، هنگامی که جهتی برای هدایت عادات سالم تحصیلی وجود ندارد، یا هیچ هدف و آینده ای در کار نیست، انگیزه تحصیلی نمی تواند رشد پیدا کند. راهبردهای گسترده به یاد سپاری فزاینده^۷ و به کارگیری آزمونهای استاندارد که دارای معیارهای سطح بالایی هستند، اغلب همانند موانعی برای رشد انگیزش تحصیلی در دیرآموزان عمل می کنند.

کلاسهای بدون پایه^۸، آموزش مهارتهای اجتماعی که تقریباً





وضعیت آموزشی کودکان دیرآموز نشان داده است که فراهم کردن آموزش ویژه برای این عده چندان ضروری نیست.

اما پس از چند سال این کودکان به خاطر مشکلات عاطفی^{۳۳} واجد شرایط آموزش ویژه هستند. گفته می‌شود که نقص در فراهم نمودن مداخلات آموزشی زودهنگام، ممکن است منجر به ناکامی فزاینده^{۳۴} و مشکلات رفتاری آتی شود.

احتمال دارد که چنین تبیینی صحیح باشد، شاید هم تبیینهای دیگری برای این مشاهده بالینی وجود داشته باشد. با این وجود مشاهده‌های دقیق تری وجود دارد که نشان می‌دهد کودکانی که به عنوان دیرآموز شناسایی شده بودند به احتمال زیاد در آینده با مشکلات رفتاری مواجه خواهند شد. در ادبیات بهداشت روانی کودکان

نارسایی‌هایی که در مهارت دارند، بیشتر در خطر مواجهه با مشکلات روانی هستند. از اینرو، مدارس باید مهارت‌ها را آموزش دهند و یا دست کم انگیزه کودک در فراگیری مهارت‌های مورد نیاز را از بین نبرند. تبیین دیگر این است که برخی مشکلات روانی با توانایی رشدی مهارت‌ها تداخل پیدا می‌کنند. یعنی دیرآموزان دارای عزت نفس پایین، بدون انگیزش و فاقد مهارت‌های لازم هستند. برای مثال تصمیم‌گیری اجتماعی ضعیف، مهارت‌های ضعیف مقابله با مشکلات و نداشتن موقعیت‌های مناسب در زندگی، گرچه مدارس نمی‌توانند به مسایل محیط خانه بپردازند اما می‌توانند کودکان دیرآموز را برای برخی مهارت‌های پایه^{۳۵} برای تعامل اجتماعی^{۳۶} و پیشرفت تحصیلی آماده نمایند.

۳۳. شایسته و در سال: بررسی

در تمام جنبه‌های برنامه‌های تحصیلی گنجانده می‌شود و حذف به یاد سپاری کلاسی که شامل آموزش راهبرد و مرور منظم و سازماندهی شده است، می‌تواند به موفقیت منجر شوند. کودکانی که از نظر تحصیلی معمولاً انگیزه بیشتری به دست می‌آورند و کودکانی که از نظر تحصیلی با انگیزه‌ترند، در برابر عوامل مخاطره آمیز واقعی همانند کم هوشی و محیط‌های چالش برانگیز^{۳۷} مقاومتر می‌شوند.

موانع فزاینده‌ای که توسط نسبت‌های رو به رشد به یاد سپاری و نیاز به حداقل نمره در یک آزمون ایجاد می‌شوند، می‌توانند انگیزش تحصیلی را کاهش داده و احساس درماندگی تحصیلی را افزایش دهند.

این موضوع نشان می‌دهد که دیرآموزان به واسطه نقصها و

- 7-Hopelessness
- 8-Increased Retention
- 9-Nongraded Classrooms

توضیح شماره ۹:

کلاس بدون پایه کلاسی است که در آن پایه‌های مشخص و متمایزی وجود ندارد و هر دانش‌آموز مطابق با سرعت و توان خودش پیش می‌رود و هر موقع که درس تک پایه را به اتمام رسانید می‌تواند به کلاس بالاتر برود. حتی اگر در میانه سال تحصیلی باشد.

- 10-Challenging Enviroments
- 11-Foundation Skills
- 12-Social Interaction
- 13-Emotionally Disable
- 14-Increased Frustration
- 15-diagnostic Overshadowing
- 16-Comorbid Diagnosis
- 17-Revers Care
- 18-Psychopathology
- 19-Guided Practice
- 20-Cutting Scores
- 21-Unemployment Lines

منبع:

NASP Communique / vol.24.#6



مهارت‌های مقابله با مشکلات و فرصت درگیر شدن در تمرین هدایت‌شده^{۱۹} برای مهارت‌های تازه آموخته شده از اهمیت ویژه‌ای برای این افراد برخوردار است.

هوش، عقب‌مانده یا بهنجار نیست، بلکه پیوستاری است با توزیع طبیعی. نمره‌های برش^{۲۰} اصولاً مصنوعی و ساختگی هستند ولی از جنبه نظری مورد تاکید قرار می‌گیرند. در دنیای واقعی و جدای از جنبه‌های نظری، دیرآموزان در خطر مواجهه با مشکلات شدید و دایمی قرار دارند. این شکاف موجود بین واقعیت و اصول نظری جایی است که دیرآموزان در آن قرار می‌گیرند. در واقع موسساتی وجود دارند که خدماتی را به دیرآموزان ارائه می‌دهند.

این موسسه‌ها شامل استخدام‌های قراردادی^{۲۱}، کمک‌های دولتی و زندان‌ها می‌باشد. اگر این موسسه‌های آموزشی نسبت به کودکان دیرآموز مسوولیت بیشتری را متقبل شوند، جامعه کمتر متحمل اثرات بعدی شکست آموزشی این افراد خواهد بود.

زیرنویس:

- 1-Sтивен Shaw
- 2-Slow Learners
- 3-Educational Placement
- 4-Juvenile Justice System
- 5-Borderline
- 6-Early Sign

عقب‌مانده، فرایندی وجود دارد که به غلبه تشخیصی^{۱۵} موسوم است. این اصطلاح بدین معنی است که در کودکان مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی متخصصان گرایش به این دارند که همه مشکلات رفتاری اجتماعی و عاطفی آنان را به عقب‌ماندگی‌شان نسبت دهند.

تیبین‌های دیگر و تشخیص اختلال‌های همبود^{۱۶} (برای مثال افسردگی) اغلب هنگام کار با یک کودک عقب‌مانده، مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد.

در مورد دیرآموزان، ممکن است حالت وارونه^{۱۷} غلبه تشخیصی موجود داشته باشد یعنی متخصصان، تاثیرات دنیای واقعی کم‌هوشی همانند مهارت‌های ضعیف مقابله با مشکلات، مهارت‌های اجتماعی ضعیف، تجربه‌های مکرر شکست و عوامل مخاطره‌آمیزی که با فقر رابطه دارند را نادیده می‌گیرند. در عوض همه مشکلات رفتاری، اجتماعی و عاطفی را به آسیب‌شناسی روانی^{۱۸} نسبت می‌دهند.

کم‌هوشی موضوعی است که باید در جلسه‌های مشاوره مورد توجه ویژه قرار گیرد. مشاوره با کودکان دیرآموز می‌تواند کمک زیادی به آنها کند. با این وجود اینکه، مهارت‌های زبانی عامل مهمی در رسیدن به نتایج موفقیت‌آمیز است. ولی دیرآموزان غالباً مهارت‌های زبانی ضعیفی دارند. به این خاطر سر مشق‌گیری از رفتارهای مناسب اجتماعی،

